زن در آينه دفاع مقدس

سارا مهدوى

((اينجانب در طول اين جنگ, صحنه هايى از مادران, خواهران و همسران عزيز از دست داده, ديده ام كه گمان ندارم در غير اين انقلاب نظيرى داشته باشد. اين عظمت اسلام است كه در چهره زنان انقلابى ما آشكار شده است و امروز بحمدالله آشكار است.))

امام خمينى(ره)

1

در 31 شهريور ماه سال 1359 در حالى كه جمهورى اسلامى ايران پس از گذشت نزديك به يك سال و اندى مبارزه عليه ظلم و استبداد در حال استقرار يافتن بود, به ناگاه مورد هجوم همسايه غربى كشورمان عراق واقع شد كه بر اساس فرصت طلبى و موقعيت سنجى بر آن بود تا مطامع و خواست هاى جاه طلبانه خود را از طريق جنگ ظالمانه و ناخواسته بر كشور, انقلاب و مردم ما تحميل كند; جنگى كه از هر حيث, چه امكانات و شرايط و نيز از جهات سياسى, اقتصادى, اجتماعى و نظامى كاملا نابرابر بود.

البته انقلاب اسلامى كه از بدو پيروزى تا آن زمان, همواره از جانب غرب و رهبرى آن بلوك; يعنى امريكاى قداره بند, تحت فشارى شديد قرار داشت, آمادگى مقابله با چنين تجاوزى را نداشت. بويژه اين كه در داخل كشور نيز جناح هاى وابسته به غرب, با ايجاد هياهوى تبليغاتى و نيز درگيرىهاى نظامى در گوشه و كنار مملكت, توان دولت نوپا را تضعيف نموده و رسيدگى به امور را براى مسئولان عملا مشكل و دشوار مى ساختند.

از سوى ديگر نيروهاى نظامى كشور نيز به خاطر تبعات قهرى انقلاب و رويدادهاى پياپى ناشى از سران فرصت طلب و خائن خود, هنوز مراحل بازسازى را بطور كامل پشت سر ننهاده بودند و طبعا در اين شرايط, در آسيب پذيرى جدى به سر مى بردند كه جنگ ناخواسته بر ما تحميل گرديد و حصر اقتصادى نيز بر مشكلات متعدد كشور افزود.

2

ارتش عراق كه براساس محاسبات دقيق از وضيعت و شرايط داخلى و خارجى جمهورى اسلامى, فتح يك هفته اى تهران را انتظار مى كشيد, در روزهاى نخست تجاوز, بى آن كه با مانعى جدى در مرزها برخورد كند,گستاخانه به خاك ما هجوم آورده و هم چنان به پيش مى راند تا آنجا كه خود را پشت دروازه هاى اهواز و خرمشهر ديد و با مشاهده اين وضعيت به تداوم تجاوز علاقمندتر گرديد.

آن روز تمامى مردان و زنان سلحشور ايران اسلامى با حضور در صحنه جنگ, حماسه اى فراموش ناشدنى را آفريدند, و از آن پس بود كه خلق حماسه ها آغاز شد و سراسر جبهه ها آوردگاه تن و تانك بود. رويارويى عشق و ايمان با كفر و الحاد, و عجيب آن كه در آن شرايط براستى نابرابرـ تانك از مقابله با انسان هاى عاشق عاجز و ناتوان بود.

3

حضور مردم ايران در مقابله با هجوم نظامى عراق از برگ هاى زرين انقلاب و نظام مقدس جمهورى اسلامى است كه هيچ گاه از يادها فراموش نخواهد شد.

در اين ميان حضور دليرانه و خستگى ناپذير زنان در صحنه دفاع مقدس به عنوان يكى از عناصر اجتماعى و بارز رقم خورد و اينان به حق در اداى دين خود نسبت به اسلام و به انقلاب از هيچ گونه يارى و مدد مادى و معنوى استنكاف نورزيدند.

مى دانيم كه خطوط مقدم و رويارويى اصلى فيزيكى در ميادين نبرد در قبضه دلير مردان رزمنده بود, ولى پشتيبانى و حمايت همه جانبه زنان در خاكريزهاى عقبه نيروهاى خودى و بر طرف نمودن نيازهاى آنان (اعم از لباس, غذاو...) برآوردگار ثبات قدم و استقامت رزمندگان بود.

داشتن روحيه و قوت قلب رزمندگان در گرو حمايت هاى معنوى زنان خدا جويى بود كه در پشت جبهه, مشغول خدمت بودند و امام خمينى(ره) فرماندهى كل قوا ـ كه حضور نيروهاى رزمنده در جبهه هاى حق عليه باطل مرهون نفس مسيحايى او بود ـ در توصيف ايثار جان و تجلى شهادت طلبى زنان در طول هشت سال دفاع مقدس مى فرمود:

((زنها به من مى گويند: شما دعا كنيد كه ما شهيد بشويم. بعضى از زنها مىآمدند اينجا مى گفتند كه شما اجازه بدهيد ما برويم كردستان در آنجا جنگ بكنيم و من گفتم: نه, صلاح نيست , ملت و ارتش كار را انجام مى دهند...اين يك تحولى بود كه در صدر اسلام بين مسلمين حاصل شده بود كه شهادت را براى خودشان فوز مى دانستند. ))(1)

4

حضور زنان در عرصه هاى گوناگون جنگ تحميلى داراى جلوه هاى متفاوتى بود كه هر كدام از آنان حكايتى شنيدنى و بياد ماندنى از آن دوران پر خاطره مى باشد.

در ميان تمامى فقها اين مساله جارى است كه در برابر تهاجم دشمن, بر همه واجب است كه به دفاع برخيزند و احدى در اين مساله نظر مخالفى را ابراز ننموده است.

حضرت امام خمينى (ره) در كتاب ((تحرير الوسيله)) مى نويسد:

((لو غشى بلاد المسلمين او ثغورها عدو يخشى منه على بيضه الاسلام و مجتمعهم, يجب عليهم الدفاع عنها بإيه وسيله ممكنه من بذل الاموال و النفوس))

هرگاه دشمنى بر سرزمين هاى مسلمين و يا به مرزهاى آنها حمله آورد كه ترس از بين بردن اصل اسلام و جامعه اسلامى از آن برود, بر همه مسلمين (زن و مرد) واجب است با هر وسيله ممكن به دفاع برخيزند و در اين راه از بذل مال و جان دريغ نكنند.(2)

علماى قبل از امام(ره) نيز بر اين مهم صحه گذاشته اند, مثلا علامه حلى(ره) در كتاب ((قواعد)) خود در آغاز بحث جهاد مى فرمايد:

((... و اذا وطا الكفار دار الاسلام, وجب على ذى قوه قتالهم, حتى العبد و المرإه و انحل الحجر عن العبدمع حاجته اليه...))

... و چنانچه كفار بر سرزمين اسلام حمله ور شوند, بر هر فرد نيرومندى واجب است كه با آن ها جنگ كند حتى بردگان و زنان و ممنوعيت از بردگان در صورت نياز به آنان برداشته مى شود.

زنان مسلمان ما در برابر تسليم شدن مقابل اين فتاوا بى صبرانه در انتظار خدمت گذارى لحظه شمارى مى نمودند و در راه خود هرگز درنگ نمى نمودند.

و اما كيفيت حضور زنان به دو شكل, مستقيم و غير مستقيم, در اين دوران خلاصه مى گردد.

در شكل مستقيم, گر چه زنان از حضور در صحنه و خط مقدم معاف بودند, ولى با شروع جنگ شهرها و حملات موشكى, حالت تدافعى همگان خصوصا زن ها بيشتر گرديد, چون در اين رزم بى امان از سوى ارتش عراق مورد حمله موشكى واقع شده بودند. حتى در اوايل جنگ, اين زنان شير دل خرمشهر و سوسنگرد و هويزه بودند كه در هجوم ناجوانمردانه دشمن در كنار مردان خود قدم به قدم با بعثى ها درگير شدند و در عقب راندن دشمن از جان خويش هم مايه نهادند.

در شكل غير مستقيم, زنان حكايت 70 من مثنوى دارند كه چگونه با كارهاى خدماتى و پشتيبانى خود در عقبه, موجبات دلگرمى رزمندگان را فراهم نمودند. امام اين حضور غير مستقيم را كه از حضور مستقيم ذره اى ارزش آن كمتر نبود, كرارا متذكر مى شدند. بيان تجلى ايثار در راه انقلاب و امام تداوم گر گذر زمان در برابر هر گونه تجاوز از سوى دشمنان است.

از جمله خدمات اين مرحله زنان; مى توان به ايثار فرزندان خود در راه حيثيت و اصلاح جامعه نام برد. هنوز يادمان نرفته است چه بسيار مادران سلحشورى بودند كه با تربيت اولاد صالح و معرفى آنان به مراكز بسيج جهت اعزام به جبهه قوت قلب مسئولين جنگ را سبب مى شدند. امام(ره) اين صحنه را اين گونه بيان مى نمودند: ((... خدا مى داند در طول تاريخ مثل اين مادرها ما نداشتيم, الا كم كه فرزندانش كشته بشوند و بعد بيايد بگويد كه نه, من افتخار مى كنم. بعضى از جوان ها به من مى گفتند كه اين مادرها ما را گرم نگه داشته اند. عكس العمل اين مادرهاى جوان مرده ما را زنده نگه داشته و گرم نگه داشته براى اين كه اين ها هستند كه به ما شجاعت ميدهند. اين ها هستند كه ما را تشويق مى كنند.))(3)

جلوه ديگر ايثار زنان, ايثار همسران محبوب خود بوده است كه بهترين و اصلى ترين تعلق خويش كه همسر باشد را با تمام مشكلات و دلبستگى ها تشويق و ترغيب به حضور در ميادين جنگ مى نمودند تا آنجا كه امام(ره) زبان به مدح آنان گشوده و مى فرمايد: ((كجا ما از زنان, آن قدرت و عظمت را ديده بوديم كه امروز داريم از مادران شهيد مى بينيم؟ كجا ما از زنان جوان آن فداكارى را ديده بوديم كه در دوران جنگ ديديم, آنان همسران محبوبشان را به ميدان هاى جنگ مى فرستادند و راز عفت و امانت آنها را حفظ مى كردند تا آنها با خاطر آسوده در ميدان ها باشند.))(4)

زنان ما نه در اين برهه كه در دوره هاى تاريخى متعدى, اين گونه درخشش نموده اند كه دوست و دشمن بدان معترف مى باشند. هنوز تاريخ هجوم مغول و فعاليت زنان مسلمان و حضور اصيل آنان در صحنه هاى سياسى عصر مشروطيت, جنبش تنباكو و انقلاب اسلامى را فراموش نكرده است و در يك كلام حضور مردان خداجو و شهادت طلب از دامن چنين زنان و مادرانى بوده است كه به صحنه مبارزه راه يافته اند; بنابر اين هيچ صحنه اى از تاريخ مبارزات اسلامى نبوده الا اين كه زنان مسلمان در آن نقش بسزايى را داشته اند.

ستادهاى پشتيبانى دوران جنگ كه رفع نيازمندىهاى رزمندگان خطوط مقدم را بر عهده داشتند, عمده نيروهايشان را زنان متدين و مبارز تشكيل مى دادند. تهيه مايحتاج جبهه ها از عمده ترين فعاليت هاى اين ستادها بحساب مىآمد. اينان شبانه روز بدون چشم داشت, به كمترين مواهب مادى, خدماتى تحسين برانگيز را ارايه مى دادند. لباس, كفش, طلا و جوراب هاى بافتنى اين زنان در جبهه ها رنگ و قيمتى ديگر داشت.

از فعاليت هاى ديگر اين انسان هاى سليم و عزيز, حضور آنان در بسيج هاى مقاومت و شركت در اردوهاى بسيج مى باشد كه بازتاب جهانى از خويش بر جاى مى نهد. حضور اينان نشان دهنده روح مبارزه و ايثار و شجاعتى بود كه مى خواست به زنان جهان و ابرقدرت ها اثبات نمايد كه زنان ايرانى به بركت انقلاب اسلامى هويتى دگر يافته اند كه بيانگر شخصيت وجودى آنان است.

بيمارستان ها و پست هاى امدادى و پرستارهاى مجروحين جنگ از جلوه بارز ديگر حضور غير مستقيم زنان مسلمان در ميادين جنگ بوده است كه با خدمات و فعاليت هاى جدى خود در محضر مجروحين و جانبازان, موجبات بالا بردن روحيه رزمندگان مى گرديدند; بنابراين نقش زنان در طول دفاع مقدس حاكى از مشاركت جدى آنان بود كه دوش بدوش مردان و رزمندگان در صحنه هاى مقدس حضور مى يافتند و از انقلاب و ارزش هاى آن با تمام وجود خود پاسدارى مى نمودند.

به گواهى تاريخ در صفحات پر افتخار ملت ها اين زنان با غيرت و امانت دار بودند كه در حريم مقدس و پاكى طريقشان ثابت مانده و تمام اميد و آرزوهايشان را به آنچه مصلحت ملت و مكتبشان بوده پيوند زده و سعادت واقعى را جسته اند.

در تحليل حضور زنان مهمترين نكته اين است كه بايد در كليه برنامه ها مسإله گسترش نفوذ قدرت اسلام در تمامى ابعاد حيات و بالا رفتن نسبت تاثير در تغيير موضوعات و هم چنين در پيدايش موضوعات جديد در جهان اصل قرار گيرد.

بالاترين الگوى رفتارى زنان در هشت سال دفاع مقدس, ((حضرت زهرا(عليهاالسلام))) بود; او كه در تمام زندگيش, پيروى و حمايت از ولايت مشهود بود. زمانى كه جنگ تهاجمى اسلام عليه كفار واقع گرديد, حضرت بعنوان بهترين پرستار و لجستيك, ايفاى وظيفه مى نمودند و اما هنگامى كه جنگ حالت تدافعى پيدا مى كرد, ايشان خود را سپر مولاى خود; يعنى على بن ابى طالب(عليه السلام) مى نمودند تا جايى كه حتى با وجود حضور على(عليه السلام) در خانه, هنگامى كه وجود مبارك ايشان مورد حمله دشمن قرار گرفت ايشان به پشت در آمدند و از شدت درد از هوش رفتند و پس از آن كه به هوش آمدند بمحض اين كه مشاهده كردند ولى اعظم خدا را بطرف مسجد مى برند, تا آخرين رمقشان از مقام ولايت دفاع نمودند. اين امر نشانگر اين بود كه حضرت فاطمه حيات گرانقدر خود را صرف حمايت از مقام ولايت مى نمودند.

بنابراين نقش زن در تمامى صحنه هاى سياسى و اجتماعى خصوصا دفاع مقدس بيانگر جلوه هاى تاريخى در نقش اول آنان در تحولات اجتماعى و در نهضت هاى اسلامى معاصر و همدوشى زنان و مردان در تمامى صحنه هاى درگيرى با اجانب بوده است.

امام خمينى پيرامون نقش زنان در صحنه هاى انقلاب و دفاع مقدس مى فرمايد: ((زنان حق بيشترى از مردان دارند. زنان مردان شجاع را در دامان خود بزرگ مى كنند. اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملت ها گرفته شود, ملت ها به شكست و انحطاط كشيده مى شوند.))(5)

حسن ختام اين كه; آثار دلاورىها و پيروزى رزمندگان حكايت از حضور فعالانه زن هاى دلاور و سلحشورى است كه گام به گام در لحظه لحظه جنگ, شركت كرده و موجبات بركت و روزى رزمندگان در عمليات هاى مختلف گرديدند و چه زيبا سرود امام خمينى(ره) پيرامون فداكارى و مقاومت زنان در جنگ تحميلى كه:

((...مقاومت و فداكارى زنان بزرگ در جنگ تحميلى آن قدر اعجاب آميز است كه قلم و بيان از ذكر آن عاجز, بلكه شرمسار است.به اعتقاد من بخش مهم محيط گرم و پرشور جنگ مربوط به جمعيت فكرى خواهران است و اگر زنان ما, در اين حال و هواى فكرى نبودند نيمى از اين شور وجود نداشت.))

پى نوشت ها:

1.صحيفه نور, ج 9, ص 242.

2.تحرير الوسيله, ج 1, ص 485 ( فصل دفاع).

3. صحيفه نور, ج 2, ص 271.

4.سخنرانى در تاريخ /9/26 61.

5.صحيفه نور, ج 5, ص 153.